

احمد محمود: روایت تاریخ و داستان در «همسایه‌ها»

عباس باقی نژاد^۱

استادیار. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

چکیده:

احمد محمود نویسنده‌ای اقلیم‌گرا و رئالیست است که آثارش از طُرُق مختلف با تاریخ، حوادث و اشخاص تاریخی ارتباط یافته است. «همسایه‌ها» نخستین رمان این نویسنده است که درونمایه آن با تلفیقی از مستندات تاریخی، تخیل و خاطرات نویسنده تکوین یافته است. «همسایه‌ها» در عین داشتن خصوصیات یک روایت داستانی، مثل دیگر رمان‌های محمود، به روایت واقع‌نگارانه یک رویداد مهم تاریخی پرداخته است. جریان «ملی شدن صنعت نفت در ایران» پی‌رنگ این رمان است و این حادثه تاریخی، نقشی محوری در شاکله آن دارد. ماجراها و مناسبات بخش عمده‌ای از رمان «همسایه‌ها» با این رویداد تاریخی، پیوند محتوایی و ساختاری یافته است. در این مقاله، بازتاب و انعکاس این رویداد و حوادث مربوط به آن در رمان «همسایه‌ها»، هم‌چنین رویکرد و داوری تاریخی نویسنده مورد تأمل و بررسی قرار گرفته است. طی آن، شیوه بازسازی تاریخ و همانندی و تفاوت‌های آن با مستندات تاریخی تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: احمد محمود، تاریخ، داستان، روایت، همسایه‌ها.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

^۱E-mail: a.baghenejad@gmail.com

ارجاع به این مقاله: باقی نژاد، عباس. (۱۳۹۸). احمد محمود: روایت تاریخ و داستان در رمان «همسایه‌ها». *زبان و ادب فارسی* (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز) 72(240), 47-66. doi: 10.22034/perlit.2020.10295

پیش‌گفتار

تاریخ در ساده‌ترین تعریف، «مطالعه گذشته» (سائگیت، ۱۳۷۹: ۲۹) و علمی است با اهمیت که از دیرباز در شناساندن احوال و مسائل انسان، نقش موثر داشته است. «تیین کنش‌های انسانی» یکی از اهداف تاریخ بوده (مکالا، ۱۳۸۷: ۱۶) و این ویژگی، میان تاریخ و موجودیت و واقعیات زندگی انسان، پیوندی ناگسستنی ایجاد می‌کند؛ به تعبیری آن را به بیان «سرگذشت واقعی انسان، آن گونه که زیسته» (هروی، ۱۳۸۹: ۶۴)، ملزم می‌سازد. انسان، هم در پس تاریخ و هم در متن آن، حضور دائمی دارد. او موضوع تاریخ و آفریننده آن، هم‌چنین «روایت‌گر تاریخ» است (حضرتی، ۱۳۸۱: ۴۲). این موقعیت، انسان را به‌عنوان محور تاریخ و به صورت یک موجود تاریخی مطرح می‌سازد و به او نقشی بنیادی در تاریخ می‌بخشد.

تا زمانی که انسان، گذشت زمان را فقط بر اساس فرایندهای طبیعی، یعنی گردش فصول و طول عمر احساس می‌کرد، درکی از تاریخ نداشت، اما از وقتی گذر روزگار را بر حسب سلسله رویدادهایی که خود نقش آگاهانه در وقوع آن‌ها داشت، درک کرد، تاریخ آغاز شد (رک. ایچ‌کار، ۱۳۸۷: ۱۸۲). از این پس، آدمی دریافت که تاریخ، علم و ابزاری یگانه است که می‌تواند جریان رویدادهای انسانی را دنبال نموده و آن را «انگیزه‌شناسی» (شوینهاور، ۱۳۷۵: ۳۶) کند؛ هم‌چنین آموخت تاریخ، علم و زمینه‌ای است که ارتباط با گذشته و «کشف حقیقت» را فراهم می‌کند (استفورد، ۱۳۸۵: ۱۲)؛ علمی که مواد و مصالح آن، حوادث زندگی انسان در گذشته است؛ حوادثی که «امروز تحت نظارت یا در حیطه تجربه انسان نیست» (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۱۴۱) و نمی‌توان دخل و تصرفی در آن داشت؛ یا این که تغییری در آن ایجاد کرد (رک. استفورد، ۱۳۸۵: ۵۴). مورخان تنها می‌توانند حقایقی از آن را که خود کشف کرده‌اند، توضیح دهند.

تاریخ و مسائل تاریخی، دارای سه رکن اصلی، یعنی زمان، مکان و اشخاص است (نورائی، ۱۳۸۸: ۶۱) که تاریخ‌نگاران این سه رکن را با وجود پیچیدگی و درهم‌تنیدگی‌شان ناگزیرند «بازآفرینی» (ذهنی، ۱۳۸۷: ۱۶۷) و به روایت درآورند. به تصویر کشیدن آن‌چه در فضای بیکرانه زمان و مکان، توسط اشخاص انجام شده، جز از طریق روایت، میسر نبوده و عنصر روایت در کار تاریخ‌نگاری از اهمیت بسیار برخوردار است؛ روایت، شناخته‌شده‌ترین قالب تاریخ از ابتدا تا کنون بوده و مورخان به انحاء مختلف از شیوه‌های روایی در اشکال متنوع تاریخ‌نویسی سودبرده‌اند. روایت به دلیل داشتن وجه گذرا و زمانمند و نظم‌بخشی به وقایع و کنش‌ها بستری ساختاری برای

مورخان فراهم می‌کند و ساماندهی مطالب و متمرکز ساختن محتوا را بر «اساس نظم زمانی متوالی» برای تاریخ‌نگار میسر می‌سازد (شارتیه، ۱۳۹۲: ۳۹۷)؛ به بیان دیگر، روایت، اجزای پراکنده تاریخ را به کل پیوند می‌دزد و امکان ترسیم منسجم وقایع تاریخی و عرضه و نمایش آن را به وجود می‌آورد (رک. پمپا، ۱۳۹۲: ۲۱۶). روایت و روایت‌گری از ارکان داستان‌نویسی و یکی از عناصر اصلی داستان نیز به شمار می‌آید. از این روی، بهره‌گیری تاریخ‌نگاران از شگردها و سطوح مختلف روایت، شیوه کار آنان را با آنچه در داستان‌نویسی رواج دارد، نزدیک می‌سازد و «قربان و شباهت‌هایی را میان داستان‌نویسی و تاریخ‌نگاری رقم می‌زند» (فاستر، ۱۳۵۲: ۵۸). گفته شده: «تاریخ‌نگاری اساساً نوعی داستان‌نویسی یا داستان‌سرایی است، ولی داستانی واقعی است» (نورائی، ۱۳۸۷: ۶۰) که تخیل تاریخ‌نگار در آن راه نمی‌یابد.

اما داستان‌نویسان نیز از تاریخ، اشخاص و رویدادهای تاریخی بهره برده و داستان‌هایی آفریده‌اند که منبع، بستر و مصالح کار در آن‌ها تاریخ و حوادث تاریخی بوده است. اساس کار در این داستان‌ها، بازنمایی گذشته و تبعیت از الگوهای تاریخی است. نزدیک‌ترین مصداق این مدعا رمان تاریخی است که شاکله تاریخی دارد، اما تاریخ صرف نیست. رمان تاریخی، شکلی از روایت داستانی است که در آن «رویدادهای محض تاریخی و نقش‌آفرینی شخصیت‌های تاریخی در قالب داستان» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲) نشان داده می‌شود. این نوع رمان، معمولاً به یک دوره تاریخی می‌پردازد و ممکن است غیر از اشخاص واقعی، «آمیزه‌ای از شخصیت‌های داستانی و تاریخی» (غلام، ۱۳۸۱: ۴۳) را در خود داشته باشد. نویسندگان این نوع رمان، رسالتی بیش از داستان‌نویسی برای خود قائل‌اند. آن‌ها غالباً حقیقت‌مانندی اثر و وفاداری به واقعیات تاریخی را مد نظر دارند. به همین دلیل از ساختارهای پیچیده داستانی دوری می‌جویند و از شیوه‌های روایتی ساده بهره می‌گیرند. ناگفته نماند که اعتبار تاریخی این نوع رمان، هرگز به اندازه خود تاریخ نیست و به قولی «حقیقت تاریخی به تاریخ تعلق دارد» (ولک، ۱۳۷۴: ۳۱۱) و «رمان تاریخی نمی‌تواند از عهده وظیفه بازآفرینی مقرون به حقیقت دوران گذشته برآید» (همان).

احمد محمود

اما پیوندهای داستان و تاریخ، منحصر به رمان تاریخی نیست. برخی آثار داستانی بی‌آنکه ویژگی‌های رمان تاریخی را داشته باشد، وامدار تاریخ بوده و از طرق مختلف با تاریخ، حوادث و اشخاص

تاریخی ارتباط یافته است. نویسندگان این آثار، عموماً دارای دغدغه‌های تاریخی بوده و مقوله داستان را از منظر تاریخ و با ملاحظات تاریخی می‌نگرند. مصداق چنین آثاری هم در ادبیات داستانی دنیا و هم در میان آثار داستان‌نویسان فارسی یافت می‌شود. برخی رمان‌های فارسی با این ویژگی آفریده شده و نویسندگان آن‌ها ضمن تلاش برای آفرینش اثری هنری، واقع‌نمایی تاریخی را نیز مد نظر داشته‌اند.

«احمد اعطاء» معروف به «احمد محمود» یکی از نویسندگانی است که بستر و پی‌رنگ رمان‌های او را تاریخ معاصر و رویدادهایی که خود او و نسل امروز تجربه کرده، شکل می‌دهد. محمود نویسنده‌ای سیاسی است که دورانی از دشواری و محرومیت‌های اجتماعی را گذرانده و دارای تجربه مبارزاتی است. این پیشینه، توشه و دستمایه خلق آثارش بوده و نقش مهمی در سبک و سیاق نویسنده‌گی او ایفا نموده است (حقوقی، ۱۳۷۷: ۳۵۳). محمود نویسنده‌ای رئالیست با بینش سیاسی و چپ‌گرایانه است که از آغاز دهه سی تا پایان دهه هفتاد به‌عنوان نویسنده‌ای صاحب‌سبک و مطرح در عرصه داستان‌نویسی ایران حضور فعال داشت. ماحصل فعالیت او چندین مجموعه داستان کوتاه و رمان است که شالوده این آثار، زندگی، محرومیت و مشقات انسان‌های متعلق به اقلیم جنوب ایران است (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱/۳۹۹). وجود مناسبات و آدم‌های واقعی و ترسیم طبیعی و نزدیک به واقعیت زندگی، در دنیای داستانی احمد محمود (دستغیب، ۱۳۷۸: ۱۲۷) نام او را به‌عنوان نویسنده‌ای رئالیست و و اقلیم‌گرا تثبیت کرده و در زمره یکی از بنیان‌گذاران «ادبیات جنوب» قرار داده است (شیری، ۱۳۷۸: ۱۶۶-۱۷۴).

مولفه‌های شناخته‌شده مکتب رئالیسم، یعنی جامعه‌گرایی و توجه به واقعیات اجتماعی (مقدادی، ۱۳۹۳: ۵۱۷)، هم‌چنین «تیپ‌سازی» و استفاده از «افراد عادی» به قهرمان (شمیسا، ۱۳۹۱: ۸۵) و نیز جزئی‌نگری ناتورالیستی در تکوین آثار احمد محمود نقش دارند؛ با این وصف، رئالیسم محمود دارای شاخصه‌ها و مختصات انحصاری نیز هست؛ زیرا با شگردی ویژه که برآیند ذهنیت تاریخی، گرایش حزبی و فکری و یا تعهد ایدئولوژیک اوست، به رئالیسم روی آورده و از این رهگذر توفیق یافته میان مبانی رئالیسم و درک خویش از رخداد‌های تاریخی و نیز مسائل اقلیمی، پیوندی خاص ایجاد کند.

روایت‌گر تاریخ و داستان

محمود در داستان‌هایش ترکیبی خاص از استناد و تخیل به دست داده و با بهره‌گیری از زمان، اشخاص، وقایع و مکان‌های تاریخی، گونه‌ای داستان رئالیستی با اعتبار تاریخی به وجود آورده که واجد ویژگی‌های انحصاری است. در کارنامه او چند رمان با زمینه تاریخی و دارای اهمیت اقلیمی و جامعه‌شناختی، موجود است که عمدتاً ساخت‌واقعه‌نگارانه دارند و می‌توان آن‌ها را روایت‌هایی داستانی، با مایه و ماهیت تاریخی به شمار آورد. این آثار، رمان تاریخی به شمار نمی‌آیند، اما دارای ویژگی و قابلیت‌هایی هستند که آن‌ها را از رمان‌های غیرتاریخی متمایز می‌کند.

محمود مورخ یا تاریخ‌نگار نیست، ولی به گواهی آثارش می‌توان ادعا کرد دارای معرفت تاریخی بوده و به گونه‌ای، تاریخ را در خود، درونی ساخته است. معرفت تاریخی وی بر منابع، متون و اسناد تاریخی تکیه ندارد. او شناختی ذهنی و تجربی از تاریخ معاصر به دست آورده و از آن به صورتی خاص در خلق داستان‌هایش بهره برده است. در حقیقت، شناخت محمود از تاریخ، شناختی «برون‌مأخذی» است؛ یعنی شناختی که با تجربیات فردی (یروفه‌یف، ۱۳۶۰: ۱۳۷) حاصل شده و بر مشاهدات شخصی و «تجربه‌باوری» (مکالا، ۱۳۸۷: ۲۱) استوار است. محمود دوره‌ها، حوادث و موضوعاتی از تاریخ را بازسازی و روایت کرده که خود در متن آن حضور داشته و از نزدیک با فراز و فرود و مسائل آن مرتبط بوده است.

محمود به طور همزمان، متأثر از الگوهای تاریخی، ساختی از روایت داستانی را سامان بخشیده که در آن، استناد تاریخی، خاطرات و نیز تخیل نویسنده، هم‌چنین دغدغه‌های ایدئولوژیک وی به نوعی وحدت می‌رسند. آثار او گونه‌ای بازنمایی افعال و رویدادهای تاریخی به کمک طرح داستانی است که نهایتاً به بازآفرینی دوره‌های تاریخی در چند دهه اخیر می‌انجامد. موقعیت دوگانه وی هم به‌عنوان یک روایت‌گر تاریخ که قصد دارد وقایع چنددهه از تاریخ ایران را بیان و داوری کند؛ هم این‌که در صدد است رویدادهای تاریخی را دستمایه آفرینش هنری قرار دهد، او را صاحب سبکی ویژه در داستان‌نویسی ساخته که در آن، تجارب شخصی نویسنده و رویدادهای تاریخی به یگانگی می‌رسند. در این سبک، تاریخ و روایت داستانی به گونه‌ای خاص در هم می‌آمیزند و هر یک به بستری برای ظهور و تکوین دیگری تبدیل می‌شوند. با این سبک، امکان بازخوانی تاریخ و تاحدی قضاوت در باره رویدادهای تاریخی در متن داستان فراهم می‌شود و نویسنده با کشف ظرفیت‌های داستانی در رخداد‌های تاریخی، روایت‌هایی را سامان می‌دهد که ضمن داشتن خصلت تاریخی و واقعی، ارزش و اعتبار هنری و داستانی نیز دارند.

محمود رویدادهای مهم تاریخ معاصر را با تمهیداتی خاص به فضای داستان می‌آورد و محور و بستر وقایع و عمل داستانی قرار می‌دهد؛ به طوری که موضوعات مهم تاریخی و جزئی‌نگری‌های داستانی به صورت همزمان در متن داستان‌هایش گنجانده می‌شود. زیرساختِ رمان‌های «همسایه‌ها»، «داستان یک شهر»، «زمین سوخته» و «مدار صفر درجه» که از آثار شاخص احمد محمود به شمار می‌آیند، نظریات و دیدگاه‌های تاریخی اوست. مایه این آثار، وقایعی مهم و اثرگذار همچون ملی شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است. محمود پیرنگ رمان‌هایش را بر دوش این حوادث نهاده و شاکله رمان‌هایش به طور مستقیم و غیر مستقیم با حوادث یادشده ارتباط یافته است.

رمان «همسایه‌ها»

«همسایه‌ها» نخستین رمان احمد محمود است که مرکز ثقل آن، حادثه‌ای ملی است. زمان جاری در این رمان، حدوداً سه‌سال، یعنی فاصله سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۱ است. در این رمان، فقر، فساد، محرومیت، خرافات طبقات محروم، هم‌چنین ماجراهایی عاشقانه و... به صورت مضامین جاری قرار دارد؛ مضامینی که راوی به طور مستقیم با آن‌ها درگیر است. درعین حال به طور غیر مستقیم، جریان ملی شدن نفت روایت می‌شود. رویدادهای دیگری که در رمان «همسایه‌ها» وجود دارد، اغلب اهمیت سیاسی و اجتماعی دارند، اما در متن و یا حاشیه موضوع اصلی قرار می‌گیرند، به همین دلیل رمان «همسایه‌ها» دارای اهمیت تاریخی عمدتاً نهفته و گاهی آشکار است؛ به طوری که حذف واقعه اصلی و تاریخی نفت، کلیت و موجودیت رمان را دچار آسیب می‌کند و موضوعیت مناسبات بخش عمده‌ای از داستان را از بین می‌برد. بسیاری از ماجراها و روابط جاری در این داستان با این رویداد اصلی ارتباط یافته است. علی‌رغم این که جریان مبارزه برای ملی شدن نفت در شاکله «همسایه‌ها» نقشی محوری دارد؛ اما نویسنده در فواصل داستان، ذهن خواننده را با حوادثی دیگر درگیر می‌کند. همین امر موجب می‌شود اصل واقعه، گاهی با وجود محوری بودن، در حاشیه دیده شود.

پیشینه پژوهش

در این پژوهش، تلاش شده نقش ماجرای ملی شدن صنعت نفت در تکوین فرازهای رمان «همسایه‌ها» بیان شود و طی آن، مطابقت و مشابهت میان رویدادهای تاریخی و حوادث داستانی این رمان کشف و تبیین گردد. در این راستا تا حد ممکن، پیوند میان گرایش فکری خاص نویسنده و رویکرد تاریخی وی نشان داده شده و داوری نویسنده در باره اشخاص و رویدادهای تاریخی از

ابتدای مبارزه برای ملی شدن نفت تا پایان آن، یعنی تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این مختصات، پژوهش حاضر را از پژوهش‌هایی که تاکنون در این حوزه صورت گرفته، متمایز می‌کند. با این وصف در میان پژوهش‌هایی مختلفی در باره احمد محمود انجام شده، غیر از منابعی که مورد رجوع مستقیم این گفتار بوده‌اند، معدود پژوهش‌هایی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به گونه‌ای زمینه و پیشینه این پژوهش یا در راستای آن، قلمداد نمود؛ یکی از آن‌ها مقاله‌ای است با عنوان «تحلیل مضامین نفت در رمان همسایه‌ها» از فاطمه غلامی و ... که در کنفرانس بین‌المللی بررسی مسائل جاری زبان‌ها، گویش‌ها و زبان‌شناسی» (۱۴ و ۱۵ بهمن ۱۳۹۵) ارائه و چاپ شده است. در این مقاله، در باب تأثیر و بازتاب سیاسی و اجتماعی ماجرای نفت در رمان همسایه‌ها سخن گفته شده و اوضاع جامعه ایران، پس از کودتای ۲۸ مرداد مورد کندوکاو قرار گرفته است. «نقش صنعت نفت در ظهور سه نویسنده صاحب سبک مکتب داستان‌نویسی جنوب» مقاله دیگری است از «شبیم حاتم‌پور و ...» که در «کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد» (۱۳۹۳/ شماره ۲۸) به چاپ رسیده است. در این مقاله، تأثیر صنعت نفت در شیوه زندگی مردمان جنوب ایران و نیز در تکوین سبک و اسلوب نویسندگی احمد محمود و دیگر نویسندگان متعلق به اقلیم جنوب به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته است؛ دیگر، مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تصویری دهه بیست جنوب ایران در رمان همسایه‌ها» از علی فضلی و ... چاپ شده در فصلنامه «ادب فارسی، دانشگاه تهران» (۱۳۹۴/ سال پنجم، شماره ۲) است که در این مقاله، ضمن بررسی روند و کیفیت روایت در رمان همسایه‌ها مراحل رشد و تکوین ذهنیت و شخصیت یک نوجوان (راوی) بر گستره روزگار ملی شدن صنعت نفت مورد تأمل قرار گرفته است. «خوانش پسااستعماری همسایه‌ها احمد محمود در پرتو نظرات اسپیواک» مقاله‌ایست از رضا البرزی اوانکی و ... که در نشریه «پژوهش ادبیات معاصر جهان» (۱۳۹۶/ سال بیست و دوم، شماره ۲) انتشار یافته است. در این مقاله تلاش شده حس منفی و ناامیدی فرودستان در رمان همسایه‌ها ترسیم شود و ابعاد تأثیرگذاری روشنفکران در زندگی فرودستان و چگونگی جایگزینی صدای روشنفکران با صدای فرودستان، بررسی و تحلیل گردد.

کتاب «دکتر تون زنش را بیش‌تر از مصدق دوست دارد» نیز روایتی داستانی و خاص از کودتای ۲۸ مرداد از شهرام رحیمیان است. این اثر به طور همزمان، دارای وجه سمبولیک و داستانی، در عین حال تاریخی است که نویسنده، آن را از خاطرات یکی از نزدیکان دکتر مصدق الهام گرفته

است. این رمان، غیر از موضوع محوری آن که ملی شدن صنعت نفت در ایران است، از نظر شاکله داستانی و ذهنیت و رویکرد تاریخی، شباهتی با رمان همسایه‌ها ندارد.

تاریخ نفت

مبارزه مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت، نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌آید. زمینه‌های این مبارزه، پس از مشروطه، در عصر رضاخان و نیز بعد از حاکمیت بیست ساله رضاخان است. این مبارزه که مصداق و بُعدی از استعمارستیزی تاریخی ملت ایران محسوب می‌شود، در اواخر دهه بیست به اوج خود رسید.

سلطه استعمار انگلیس بر ذخایر نفتی ایران از دوره قاجار آغاز شد. نخستین قرارداد نفتی میان ایران و انگلیس در زمان ناصرالدین شاه قاجار منعقد شد که طی آن، امتیاز نفت ایران به «بارون ژولیوس روتیر» انگلیسی واگذار گردید. این قرارداد به جهت برخی اعتراضات و نیز مخالفت دولت تزاری روس به اجرا درنیامد (مدنی، ۱۳۶۹: ۹۹/۱). دومین قرارداد، مربوط به دوره مظفرالدین شاه قاجار است که به قرارداد «داری» معروف است. طی این قرارداد، امتیاز اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از نفت کل ایران، منهای مناطق شمالی، به مدت شصت سال به انگلیس واگذار شد. طرف انگلیسی قرارداد نیز متعهد شد ۱۶ درصد از سود خالص نفت را به ایران بپردازد (همان: ۱۰۱). انگلستان همواره در انجام تعهدات مربوط به قرارداد داری کوتاهی کرد و هرگز سهم تعیین شده ایران را به درستی پرداخت ننمود.

در دوره پهلوی اول (رضاخان) تغییراتی در مفاد این قرارداد صورت گرفت؛ با این وصف، حقوق ایران هم‌چنان تضییع می‌شد (رک. میرفطروس، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۳). پس از سقوط رضاخان و آغاز دوره پهلوی دوم، احقاق حق ایران در مسئله نفت مجدداً مطرح گردید. از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۲۹ مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت، فراگیر و مردمی شد (رک. زاهد، ۱۳۸۱: ۱۶۳). در این هنگام، دولت انگلیس نیز از حیث مختلف سود می‌جست تا از آن ممانعت کند. به قولی «دوران دوساله زمستان ۲۷ تا زمستان ۲۹ دوران تلاش عبث ایادی انگلیس برای تجدید قرارداد نفت بود» (عمویی، ۱۳۸۰: ۴۴). با این وصف، مبارزه مردم ایران در نهایت به ثمر رسید و پس از چند دهه، قرارداد داری، لغو و از انگلستان قطع ید گردید (رک. نجاتی، ۱۳۷۷: ۲۳۸/۱).

به این ترتیب، صنعت نفت در ایران ملی شد (رک. آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۱۹۱). این حادثه، پیروزی مهمی برای ملت و دولت ایران و نیز شکست بزرگی برای انگلستان به شمار می‌آمد. در پی این شکست، دولت انگلیس با همکاری دولت آمریکا دست به توطئه و اقداماتی زد تا دگرباره بر نفت ایران دست یابد، ماحصل توطئه آنان، تدارک کودتایی نظامی بود؛ کودتایی که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منجر به ساقط شدن دولت ملی دکتر محمد مصدق گردید (رک. مدنی، ۱۳۶۹: ۵۱۱/۱).

نخستین نمود

محمود در «همسایه‌ها» مراحل ملی شدن نفت را به تناوب و با خطوطی مقطع روایت می‌کند. اشاره مستقیم به این واقعه، گاهی در حد یک وصف یا چند دیالوگ است؛ اما همین اشارات معدود به طور موجز، کل ماجرای مبارزه برای ملی شدن نفت و تحقق آن را بازگو می‌کند. نویسنده از مبارزه برای ملی شدن نفت، روایتی گسسته و درعین حال، خطی را سامان داده که حرکت رمان در مسیر تکوین و به نتیجه رسیدن آن، قرار گرفته است؛ گویی ابعاد، ماجراها و شخصیت‌های داستان برای آن آفریده شده‌اند تا همین واقعه را روایت کنند.

از ابتدای رمان تا صفحه ۵۹ سخنی از جریان نفت نیست و محمود، ماجراهای آغازین داستان را پیش می‌برد. او در این بخش، ضمن معرفی شخصیت اصلی داستان، یعنی راوی (خالد) که پسری پانزده‌ساله و از خانواده‌ای فرودست و محروم است، توصیف و تبیینی جامعه‌شناختی از محیط و آدم‌های داستان به دست می‌دهد. نخستین نمود ماجرای نفت با ترسیمی از فعالیت مخفیانه افرادی در یک کتابفروشی ارائه می‌شود که راوی بر اثر یک تصادف، با محیط آن و افرادی که به آن جا رفت و آمد دارند، آشنا می‌شود:

«... کتاب کوچکی به دست دارد که به اندازه یک کف دست است. اسم کتاب با رنگ قرمز چاپ شده است. کتاب را می‌دهد به مرد سیه‌چرده... مرد سیه‌چرده کتاب را می‌گیرد و می‌گذارد لای روزنامه‌ای که کنار دستش، توقسه کتابخانه است» (همسایه‌ها: ۵۱).

راوی در این مکان، با یکی از آدم‌های موثر داستان (شفوق) که فعالیت سیاسی دارد، آشنا می‌شود (زنوزی جلالی، ۱۳۸۲: ۱۶). او زمینه ورود راوی را به فعالیت‌های حزبی و سیاسی از جمله مبارزه برای ملی شدن نفت، فراهم می‌کند. نویسنده با نشان دادن این محیط و احوال، فضا و امکان مناسبی برای حرکت راوی در مسیر تحولات فردی و تاریخی به طور همزمان به وجود می‌آورد. این محیط

و اماکنی از این دست با مرام فکری و حزبی محمود، یعنی حزب توده و نیز نوع مبارزه و فعالیت سیاسی که وی تجربه کرده، نسبت دارد. حزب توده در این هنگام، فعالیت مخفیانه داشت.

رئیس دولت

در رمان «همسایه‌ها» تلاش برای ملی شدن نفت و رفع سلطه انگلیس بر نفت ایران، هم در میان فعالان سیاسی و اهل سیاست، هم در جامعه، مرحله به مرحله وصف می‌شود. در تیر ماه ۱۳۲۹ با روی کار آمدن سپهد «حاجعلی رزم‌آرا» و آغاز نخست‌وزیری او، مبارزه دامنه می‌گیرد و ملی شدن نفت به صورت یک خواسته عمومی درمی‌آید. رزم‌آرا از مخالفان ملی شدن نفت بود. طرفداران ملی شدن نفت در مجلس نتوانستند مانع از رأی اعتماد گرفتن دولت او شوند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۸۹/۱). از این روی، تظاهرات مردمی و متینگ‌های سیاسی پا می‌گیرد. بعد از این واقعه، کارگران و افراد مربوط به شرکت نفت وارد عرصه مبارزه می‌شوند. این احوال در رمان «همسایه‌ها» به گونه‌ای انعکاس می‌یابد که راوی بتواند به ترتیب با مراحل مبارزه روبرو گردد و با خواست ملی مردم آشنایی پیدا کند:

«از این همه آدم که یکهو تو میدان دور هم جمع شده‌اند بهتم می‌زند... همینطور که آدمها، پشت سر هم از خیابان‌ها سرازیر می‌شوند تو میدان، فشار جمعیت بیشتر می‌شود و بیشتر به هم فشرده‌تر می‌شوند... می‌بینم یکهو رو هوا پر می‌شود کاغذ رنگی... یک عده پاسبان پیدا شده است که باتون به دست، دوان دوان می‌آیند... نوشته همه کاغذها مثل هم است. چیزهایی است که سر در نمی‌آورم... این «استعمار خونخوار» چه جور جانوری است که فقط خون می‌خورد...» (همسایه‌ها: ۸۰).

«امروز نوار سفیدی روسینه جان محمد است به پهنا و درازای دو انگشت. تا دیروز این نوار سفید رو سینه‌اش نبود... رو نوار نوشته شده «صنعت نفت باید ملی شود»... لبهای گنده جان محمد که از هم باز می‌شود... یک هوا حرف می‌زند - دیگه تموم شد. دوره غارتگری تموم شد. شیر دیگه باید دمشو بندازه رو کولش و بره گورشو گم کنه. حالا همه چیز صاحب داره. همه چیز حساب و کتاب داره...» (همان: ۸۸).

از این پس، جریان مبارزه برای ملی شدن نفت شتاب می‌گیرد و فراگیرتر می‌شود و شعارنویسی بر دیوارها و گفت‌وگو از آن در اماکن رواج پیدا می‌کند. رئیس دولت (رزم‌آرا) در برابر خواست عمومی می‌ایستد. بخشی از سخنان او در رمان آمده که سندیت تاریخی دارد:

«- مجلس از رئیس دولت پرسیده که چرا انگلیسیا نصف پول نفتو باید بابت مالیات کم کنن؟ رئیس دولت جواب داده، خب حقشونه، باید کم کنن... و بعد بازم گفته، حالا فرض کنین به جای خمس کم می‌کنن» (همسایه‌ها: ۱۱۵).

در این هنگام، مجلس شورای ملی، محل اصلی بحث در باره نفت است. دکتر مصدق یکی از نمایندگان مجلس بود که ریاست کمیسیون نفت را به عهده داشت. دولت رزم‌آرا توسط همین کمیسیون استیضاح شد. رزم‌آرا هیچ اعتقادی به ملی شدن نفت نداشت و سرسختانه در مقابل خواست عمومی و تعدادی از نمایندگان مجلس که بر ملی شدن صنعت نفت، اصرار داشتند، ایستادگی کرد. او به نمایندگان گفت: «شما که نمی‌توانید یک کارخانه سیمان را اداره کنید چگونه می‌توانید نفت را شخصاً استخراج کنید» (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۵۳/۱).

قهوه‌خانه

قهوه‌خانه فضایی است که محمود برای تجسم بخشی به احساسات میهنی طبقات مختلف مردم، مناسب یافته و با آن، ترسیمی از موضع‌گیری مردم در برابر موضوع نفت و مبارزه برای ملی کردن آن، به دست داده است. وجود رادیو در این مکان، امکانی برای نویسنده به وجود آورده تا به تناوب بتواند مستندات تاریخی را وارد داستان کند:

«... صداها درهم است رادیو ساز و آواز پخش می‌کند... قهوه‌خانه پر شده از دود سیگار و قلیان... یکهو همه خاموش می‌شوند... حالا صدای مردی است که پرتوپ از رادیو بلند می‌شود و قهوه‌خانه را می‌لرزاند. خیال می‌کنم صدای رئیس دولت است، اما نیست. بعد از صدای رگدار گوینده رادیو، رئیس دولت حرف می‌زند. صدا خیلی شق و رق است... شنیده‌ام که رئیس دولت نظامی است. حسابی سرتق است و زیر بار حرف هیچ بنی بشری هم نمی‌رود... حرف‌های رئیس دولت بوی خوش نمی‌دهد... کارگران هنوز نشسته‌اند. حرف‌هایشان قاطی است. - نوکر انگلیسیاس - قسم خورده‌س - تا این روکاره، خیال انگلیسیا تخته...» (همسایه‌ها: ۱۳۵).

محمود با این فراز، نظامی بودن رئیس دولت (رزم‌آرا) و وابستگی او را به انگلیس بیان کرده؛ همچنین، حمایت رزم‌آرا از قرارداد نفتی با انگلیس، و سرسختی او را در برابر خواست عمومی نشان داده است. رزم‌آرا پس از تصدی سمت نخست‌وزیری، تحت فشار انگلیس در صدد برآمد قراردادی

الحاقی بر قرارداد قبلی را به تصویب مجلس برساند، اما توفیق نیافت (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱/۱) و همین رفتارها به نوکر انگلیس بودن وی، در اذهان عمومی دامن زد.

«تو قهوه‌خانه مرشد لبریز از آدم است. صدای رادیو افتاده است... مرد جوان با صدای بلند روزنامه می‌خواند. چند لحظه می‌ایستم و گوش می‌دهم -... این فریاد بیست میلیون انسان غارت شده است که اینک برای کوتاه کردن دست دزدان دریایی، مردانه به پا خاسته‌اند...» (همسایه‌ها: ۱۷۰).

رویکرد نویسنده به ماجرای نفت و داوری وی در باره وقایع تاریخی، عموماً فارغ از نگرش و تفکر حزبی نیست. به نظر می‌رسد منظور از روزنامه در این بخش از داستان، روزنامه‌هایی است که جریان چپ به صورت مخفیانه به چاپ می‌رساند. متنی که از روزنامه خوانده می‌شود، با توجه به لحن آن و اطلاق صفت «دزدان دریایی» به دولت انگلیس، با بیانیه‌های حزب توده در این هنگام، همانندی دارد. پس از این احوال در بخشی دیگر از رمان، ترور نخست وزیر (رزم‌آرا) که زمان تاریخی آن ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ است، اتفاق می‌افتد:

«قهوه‌خانه امان آقا جای سوزن‌انداز ندارد. مردم هر لحظه انتظار شنیدن خبرهای تازه دارند... یکپه صدای ساز و آواز قطع می‌شود... صدای پرتوپ گوینده بلند می‌شود. مردم را به شنیدن یک خبر مهم دعوت می‌کنند... نفسها تو سینه‌ها گره خورده است... صدای گوینده بلند می‌شود. یکپه نفسها بیرون می‌ریزد. فریادها قاطی هم می‌شوند. رئیس دولت را با گلوله کشته‌اند. - گفت کجا؟ - توی مجلس ختم - مگه نشنیدی؟ ... تو مسجد شاه - بالاخره زدنش - آخه به هیچ صراطی مستقیم نبود.» (همسایه‌ها: ۱۷۳).

مرگ رئیس دولت (رزم‌آرا)، نقطه عطفی در روند مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت به شمار می‌آید. این حادثه «زنگ خطری برای نمایندگان وابسته به انگلیس در مجلس شانزدهم بود که مانع ملی شدن نفت بودند (و رزم‌آرا می‌گفت ملت ایران شایستگی ساختن لوله‌نگ را هم ندارد). فردای آن روز کمیسیون نفت به اتفاق آرا اصل ملی شدن نفت را در سراسر کشور پذیرفت» (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۵۴/۱).

پس از این واقعه، حکومت دچار وحشت شد و به همان نسبت در مردم جسارت و جدیت بیش تری برای پی‌گیری مبارزه به وجود آمد. به این ترتیب، انگیزه‌ای تازه برای حرکت مردمی وسیع و موثر فراهم گردید. تشکیل اجتماعات بزرگ و میتینگ‌های سیاسی در سراسر کشور از نتایج این

حرکت بود. (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱/۲۳۶) محمود این حرکت عمومی و پیوستن اقشار مختلف جامعه را به مبارزه، با قرار دادن راوی در متن یکی از این اجتماعات در شهر اهواز، توصیف می‌کند:

«میدان مجسمه دارد شلوغ می‌شود. دسته دسته آدمها از دهانه خیابان‌ها، سرازیر می‌شوند تو میدان مجسمه... دهانه پل سفید بسته شده است... میدان غلغله روم شده است. شفق را می‌بینم که با شانه‌ها، از لابلای مردم راه باز می‌کند و می‌رود به طرف دهانه پل... صدای بلند گو بلند می‌شود. صدای شفق است... یکهو شعارهای پارچه‌ای باز می‌شود و بالای سر گرفته می‌شود... تو میدان همه جور آدم هست. کارگران آبی پوش نفت و کارگران راه آهن با اندامهای ورزیده و چهره‌های تیره. کارگران ریسندگی با رنگهای پریده. شاگردان مدرسه، کارمند، کاسب، زن، پیر، جوان و همه قاطی هم. مرد میانه سال حرف می‌زند. قضیه نفت است و قضیه استعمارگران.

— ما می‌خواهیم که دست غارتگران از صنعت نفت کشور ما کوتاه شود. هزاران صدا از حلقوم‌ها برمی‌خیزد

— صحیح است

— ما به جای توپ نان می‌خواهیم

— صحیح است...

— به دلایان نفتی اجازه ندهید که بر ثروت ملی ما چنگ بیندازند

— صحیح است. ناگهان صدای گلوله می‌آید...» (همسایه‌ها: ۱۷۹).

به این ترتیب مسیر تحقق آرزوی ملی هموار می‌شود. دامنه مبارزه گسترده‌تری می‌یابد و روحیه استعمارستیزی مردم اوج می‌گیرد. اعتصابات آغاز شده و تلاشی همه‌جانبه برای تحقق ملی شدن نفت شکل می‌گیرد. در زمان نیز این حال و روحیه نشان داده می‌شود:

«مشری‌های قهوه‌خانه شکوفه با مشتریهای قهوه‌خانه امان آقا و قهوه‌خانه مرشد فرق دارند. اغلب جوان هستند و درس خوانده به نظر می‌آیند... حرفشان از نفت است و از اعتصاب کارگران تصفیه‌خانه. صداها قاطی هم است» (همسایه‌ها: ۲۰۶).

دکتر مصدق

پس از ترور رزم آرا، کمیسیون نفت در مجلس شورای ملی به اتفاق آرا، اصل ملی شدن صنعت نفت را در سراسر ایران تصویب نمود. دکتر مصدق، اقدامات و تصمیمات دولت رزم آرا را در مورد نفت

بی‌اعتبار خواند و گفت: «من به نمایندگی جبهه ملی و پشتیبانی ملت ایران... و به وسیله کمیسیون محترم نفت و مجلس شورای ملی به جهانیان اعلام می‌دارم حکومتی را که به چنین پستی‌ها و بنده‌صفتی‌ها تن در بدهد، ملت ایران قانونی نمی‌شناسد و هرگونه عمل از این دولت سربرزند، به حساب ملت ایران نبوده و برای مردم این کشور تعهدآور نخواهد بود» (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱/۲۳۵) دکتر مصدق با این سخنان، زمینه را برای لغو قرارداد پیشین و الحاقی فراهم کرد. او لایحه ملی شدن نفت را به مجلس داد و این لایحه در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. مردم در خیابان‌های کشور جشن پیروزی گرفتند که بازتاب آن در رمان «همسایه‌ها» چنین است:

«شهر، یکپارچه شده است شور و شادی. راننده‌ها چراغ‌های اتومبیل‌ها را روشن کرده‌اند. دست‌ها را گذاشته‌اند رو بوقها و شهر را روسر گرفته‌اند. صدای رادیوها درهم شده است. گوینده رادیو با التهاب و پرتوپ حرف می‌زند. مجلس به خواست توده مردم، لایحه ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرده است. مردم با چهره‌های برافروخته و لبهای به خنده نشسته... آشنا و ناآشنا مردم را در بغل می‌گیرند و به همدیگر تبریک می‌گویند» (همسایه‌ها: ۲۱۱).

پس از تصویب لایحه، تلاش دولت انگلستان برای الغای آن، آغاز می‌شود. دولت انگلستان دست به تهدید و اراغاب می‌زند. خبرگزاری‌های غربی گزارش دادند: «به دو ناو هواپیمابر انگلیسی که افراد تیپ ۱۶ چترباز را به جزیره قبرس حمل کرده بود، دستور داده شده است فوراً به آبهای خلیج فارس رهسپار شوند... بزرگترین مانور هوایی انگلستان در منطقه کانال سوئز متوقف شده تا این هواپیماها هر لحظه آماده حمله به ایران باشند» (مکی، ۱۳۶۰: ۱/۴۲۸) این اخبار که جنبه رسمی داشت و دولت انگلیس منشأ صدور آن بود، در این مقطع تاریخی، جامعه ایران را ملتهب و گاهی مرعوب می‌ساخت؛ همزمان روحیه مبارزه و مقاومت را در مردم، تقویت می‌کرد. حضور راوی «همسایه‌ها» در میان مردمی که از این اخبار و احوال سخن می‌گویند، موقعیتی برای توصیف آن ایجاد می‌کند:

«- شنیدی؟»

از چی داری حرف می‌زنی

- کشتی موریس اوامده تو شط‌العرب لنگر انداخته و تو باشو به تصفیه خونه قراول رفته

- میگن چتربازای انگلیسیام تو قبرس پیاده شدن

چهره‌ها برافروخته می‌شود

- باید از رو جسد موم بگذرن

رگهای گردن مردم تند می‌شود

- با چنگک و دندانم که شده می‌جنگیم

- دیگه تموم شد

پیروزی همه را بی‌قرار کرده است» (همسایه‌ها: ۲۱۲)

نویسنده واکنش مردمانی را که هر یک به قشر و طیف و طبقه‌ای از جامعه تعلق دارند نیز در برابر تبعات و تهدیدات «ملی شدن نفت» نشان می‌دهد:

«- تو میدان شهر، با پارچه. کهنه و چوب، مجسمه یکی از انگلیسیها را درست کرده‌اند که آتش بززند... مردم دور مجسمه انگلیسی جمع شده‌اند و هل‌هل می‌کنند. بچه‌ها برایش شعر ساخته‌اند

صاحب برو به خون‌ت

چی سگ بر به لونه‌ت

فرنگی دین نداره

الاغش زین نداره» (همسایه‌ها: ۲۱۲).

ملی شدن نفت

پس از این احوال، دکتر محمد مصدق به نخست‌وزیری رسید. او در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ کار خود را آغاز کرد. دکتر مصدق که از مدت‌ها پیش با عنوان نماینده مجلس، پی‌گیر جدی ماجرای نفت بود، در مقام نخست‌وزیری عهده‌دار اجرای قانون ملی شدن نفت؛ همچنین خلع ید از انگلیسی‌ها گشت (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۸۲/۱-۳۹۴). دکتر مصدق در این مسیر، بیش از آن که به نمایندگان مجلس تکیه کند، به مردم و تجمعاتی که مردم در حمایت از او و موضوع ملی شدن نفت داشتند، متکی بود (نجاتی، ۱۳۷۷: ۳۶۲/۱). تا جایی که یکی از نمایندگان مخالف وی (جمال امامی) در صحن علنی مجلس به اعتراض گفت: «دولت مداری به سیاست خیابانی نزول کرده است... کدام نخست‌وزیر این حرف را می‌زند که من می‌روم با مردم حرف می‌زنم» (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۳۲۹). نهایتاً دکتر مصدق در خردادماه همان سال هیأتی را به خوزستان فرستاد تا به قولی «خطرناک‌ترین مرحله نقشه ملی شدن نفت ایران، یعنی مرحله اجرائی آن [را] که در قانون ملی شدن، به خلع ید موسوم شده» (مکی، ۱۳۶۰: ۳۱۵/۱) آغاز کرده و تأسیسات نفتی را از انگلیسی‌ها تحویل بگیرد.

انگلستان تهدیدات مختلفی کرد از جمله این که کارمندان را خارج خواهد کرد و به صاحبان نفتکشها هشدار داد که نفت خریداری شده از دولت ایران در بازار جهانی خریداری نخواهد شد. در شهریور ماه انگلیس، متخصصان نفتی خود را از ایران خارج نمود و نیروی دریایی اش را در خلیج فارس تقویت کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۳۳۰). این حوادث بیش از پیش دکتر مصدق را متوجه مردم نمود. او از طریق رسانه‌ها از مردم طلب همراهی و یاری کرد:

«تا پیچ رادیو را باز می‌کنی، صدای لرزان رئیس دولت است که برای مردم حرف می‌زند و از مردم کمک می‌خواهد. نمایندگان رئیس دولت آمدند و - به قول مردم- انگلیسیها را ریختند به دریا. کشتی جنگی انگلیسیا، دمش را انداخت رو کولش و رفت» (همسایه‌ها: ۲۳۱).

دولت انگلیس کوتاه نیامد و تلاش مجدد خود را برای دستیابی دوباره به منابع نفتی ایران از طرق مختلف آغاز کرد. یکی از اقدامات انگلیس، شکایت از ایران در شورای امنیت سازمان ملل و نیز پیشنهادهای جدید برای عقد قرارداد نفتی بود (نجاتی، ۱۳۷۷: ۴۱۴/۱)؛ اما با مقاومت دکتر مصدق و یاران او، هم‌چنین مردم ایران مواجه شد:

«باز خبرهای تازه رو زبانها افتاده است

- انگلیسیا قصد دارن یه هیأت بفرستن که قرارداد تازه ببندن

- خب بله... خیال می‌کنم پیشنهادشونم چندون بد نباشه... پنجاه پنجاه

- چه خوش باوری برادر؟

- به نظر تو عیبی داره؟

- خیال می‌کنی ما حریف حقه‌بازی انگلیسیا می‌شیم... یادت رفته که شرکت غاصب، مالیاتی رو که بابت نفت به دولت انگلیس می‌داد، از حق‌الامتیاز ما بیشتر بود؟

اما رئیس دولت گفته است که با انگلیسیا قرارداد نمی‌بندد

-... خودمون استخراج می‌کنیم، خودمون تصفیه می‌کنیم، خودمون می‌فروشیم» (همسایه‌ها: ۲۳۲).

ماجرای نفت در رمان «همسایه‌ها» با این صحنه به اتمام می‌رسد. آن چه پس از این، به عنوان وقایع تاریخی و بازتاب آن در آن دیده می‌شود، با حوادث تاریخی، از نظر زمان تقویمی، مطابقت ندارد. نویسنده تقریباً از نیمه رمان به بعد، فضای ملتهب و خفقان‌زده پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را نشان می‌دهد. در این بخش، فعالیت مخفیانه، زندانی شدن، شکنجه و مقاومت آدم‌های داستان که عموماً از سنخ هم‌فکران احمد محمود هستند، ترسیم می‌شود. به این ترتیب، فاصله زمانی از هنگام

ملی شدن نفت و به قدرت رسیدن دکتر مصدق که در اوایل سال ۱۳۳۰ اتفاق افتاد، با دوران پس از کودتا که بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شد، در رمان همسایه‌ها نادیده گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

بازسازی تاریخ و بازآفرینی دوره‌های تاریخی، یک ویژگی مهم در کار احمد محمود است. محمود دارای گونه‌ای معرفت تاریخی و درعین‌حال، نگرش سیاسی و مرامی خاص است. این داشته‌ها در داستان‌های وی به یگانگی می‌رسند و او را در خلق روایاتی منطبق با الگوهای تاریخی و واجد ماهیت سیاسی و ایدئولوژیک یاری می‌رساند. رمان «همسایه‌ها» یکی از آثار محمود است که در آن، نویسنده با استفاده از طرح داستانی به بازنمایی جهت‌گرایانه یک رویداد تاریخی (حادثه ملی شدن نفت) پرداخته است. محمود این رویداد را با تمهیداتی خاص به فضای داستانش آورده و محور و بستر وقایع و عمل داستانی قرار داده است. در این رمان، روایت مرحله‌به‌مرحله واقعه نفت با روایت داستان درآمیخته و نویسنده کوشیده است از جزئیات یک واقعه تاریخی به‌عنوان محملی برای تکوین عمل و حرکت داستانی بهره بگیرد. محمود با این رویکرد، توفیق یافته از موضع فکری و سیاسی خاص، یک واقعه تاریخی را بیان و داوری کند؛ درعین‌حال، رویدادی تاریخی را دستمایه آفرینش یک رمان سیاسی و اجتماعی قرار دهد.

یادداشت‌ها

۱. «احمد محمود» نویسنده‌ای رئالیست است که تعلق بسیاری به زادبوم خود، جنوب ایران دارد. او جغرافیا و فرهنگ جنوب را زمینه اغلب داستان‌هایش کرده و به فضا و شخصیت‌هایش هویت جنوبی بخشیده است. رئالیسم محمود جنبه تاریخی دارد (رک. تسلیمی، ۱۳۸۸: ۷۷)، درعین‌حال دارای ماهیت سیاسی و اجتماعی و صبغه «ناتورالیستی» است (دستغیب، ۱۳۸۶: ۳۹۸).
۲. رمان «همسایه‌ها» که اثری تأثیرگذار در ادبیات داستانی ایران است (رک. دولت‌آبادی، ۱۳۷۳: ۴۸۶) احمد محمود را به‌عنوان نویسنده‌ای صاحب سبک مطرح کرد. خود می‌گوید: در زمان انتشار همسایه‌ها «جوان‌ها آن را به‌عنوان یک کتاب آموزشی نگاه می‌کردند» (محمود، ۱۳۸۴: ۱۷۵). «همسایه‌ها» واجد قابلیت‌هایی چون «وسعت و تنوع ماجراها، تعداد آدمها و شخصیت‌ها، تعدد لحن‌های محاوره‌ای و توصیفات جزء به جزء از حرکات و گفتگوها، ... معرفت همه‌جانبه نویسنده به چندوچون فضا، اقلیم، افکار و آرزوهای مردم روزگار داستان» (سپانلو، ۱۳۶۶: ۱۹۳) است که این ویژگی‌ها آن را از آثار نویسندگان دیگر متمایز می‌کند.

۳. احمد محمود از پرورش یافتگان «مکتب توده‌ای» به شمار می‌آید (ج پ، ۱۳۹۰: ۷۷۷). حزب توده که دارای مرام مارکسیستی بود، در سال ۱۳۲۰ پس از سقوط رضاخان با حمایت دولت کمونیستی شوروی سابق تأسیس گردید. «نام توده برای آن انتخاب شد تا یک جبهه وسیعی را در بر بگیرد و فقط به کمونیست‌ها محدود نباشد» (کیانوری، ۱۳۸۲: ۶۷) این حزب پس از مدتی توانست در میان اقشار جامعه از جمله روشنفکران، نویسندگان و شعرا طرفدارانی بیابد و در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی نفوذ کند؛ حتی برخی از اعضای آن به سطوح بالای حکومتی نیز راه یافتند. این حزب از زمان شروع فعالیت، تا سال ۱۳۲۷ فعالیت علنی داشت. در این سال در پی ترور نافرجام محمدرضا شاه پهلوی، غیرقانونی اعلام گردید و پس از آن به صورت مخفیانه به فعالیت خود ادامه داد. فعالیت مخفیانه و درعین حال گسترده حزب توده تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تداوم داشت (رک. ج پ، ۱۳۹۰: ۸۹-۱۲۰).
۴. رئیس دولت در این هنگام، سرتیپ «حاجیعلی رزم‌آرا» بود. او در تیر ماه ۱۳۲۹ بعد از استیفای «حسنعلی منصور» از نخست‌وزیری، مأمور تشکیل کابینه شد و کابینه خود را در ۱۱ تیرماه ۱۳۲۹ به مجلس معرفی کرد. پیشنهاد ملی شدن نفت و واکنش مردمی نسبت به آن در دوران نخست‌وزیری این شخص، اتفاق افتاد (قدیانی، ۱۳۷۶: ۴۰۱-۴۰۲). دفاع رزم‌آرا از قرارداد نفت انگلیس و بی‌اعتنایی وی به خواست مردم، موجب خشم عمومی گشت و این خشم، نهایتاً منجر به ترور او توسط خلیل طهماسبی از اعضای فدائیان اسلام شد (رک. آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۳۲۷). رزم‌آرا هنگامی که عازم شرکت در مجلس ختم آیت‌الله فیض بود، در سحن مسجد شاه به ضرب چند گلوله به قتل رسید (رک. نجاتی، ۱۳۷۷: ۱/۲۳۴).

منابع

۱. آبراهامیان، ارواند. ۱۳۹۰. *تاریخ ایران نوین*. ترجمه شهریار خواجهان. چاپ اول. نشر دات.
۲. آبراهامیان، ارواند. ۱۳۸۶. *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی / محمد ابراهیم فتحی. نشر نی. چاپ دوازدهم.
۳. استفورد، مایکل. ۱۳۸۵. *درآمدی بر تاریخ پژوهی*. ترجمه دکتر مسعود صادقی. سمت. چاپ دوم.
۴. ایچ کار، ئی. ۱۳۸۷. *تاریخ چیست؟*. ترجمه حسن کامشاد. خوارزمی. چاپ ششم.
۵. پارسی نژاد، کامران. ۱۳۸۷. *نقد ادبیات منطبق با حقیقت*. خانه کتاب. چاپ اول.
۶. پُمپا، لئون. ۱۳۹۲. *فلسفه تاریخ: چارچوب‌های اساسی در آموزش فلسفه مدرن*. فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری. حسینعلی نوذری. طرح نو. چاپ سوم.
۷. تسلیمی، علی. ۱۳۸۸. *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران*، داستان. کتاب آمه. چاپ دوم.
۸. حقوقی، محمد. ۱۳۷۷. *مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران ۲*، نشر- داستان. قطره. چاپ اول.
۹. حضرتی، حسن. ۱۳۸۱. *تأملاتی در علم تاریخ*. نقش جهان. چاپ اول.
۱۰. ج پ (جمعی از پژوهشگران). ۱۳۹۰. *حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی*. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. چاپ سوم.
۱۱. دستغیب، عبدالعلی. ۱۳۷۸. *نقد آثار احمد محمود*. معین. چاپ اول.

۱۲. دستغیب، عبدالعلی. ۱۳۸۶. *از دریچه نقد، گفتارها و جستارهای انتقاد ادبی*، جلد یکم. به کوشش علیرضا قوجه زاده. خانه کتاب. چاپ اول.
۱۳. دولت آبادی، محمود. ۱۳۷۳. *ما نیز مردمی هستیم، گفت و گو با محمود دولت آبادی؛ امیر حسین چهل تن - فریدون فریاد. پارسی / چشمه. چاپ دوم.*
۱۴. زاهد، سعید. ۱۳۸۱. *جنبش های اجتماعی معاصر ایران. سروش و کتاب طه. چاپ اول.*
۱۵. زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۶. *تاریخ در ترازو. امیر کبیر. چاپ یازدهم.*
۱۶. زنوزی جلالی، فیروز. ۱۳۸۲. «جایگاه واقعیت های تاریخی در داستان». *ماهنامه ادبیات داستانی. سال یازدهم. شماره ۷۴. (۱۶-۲۱).*
۱۷. سائگی، بوری. ۱۳۷۹. *تاریخ چیست، دورنمای باستانی - پست مدرن. ترجمه رویا منجم. نگاه سبز. چاپ اول.*
۱۸. سپانلو، محمدعلی. ۱۳۶۶. *نویسندگان پیشرو ایران. تهران. نگاه. چاپ دوم.*
۱۹. شارتیه، روزبه. ۱۳۹۲. *تاریخ فرهنگی: رابطه فلسفه و تاریخ. فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری. حسینعلی نودری. طرح نو. چاپ سوم.*
۲۰. شمیسا، سیروس. ۱۳۹۱. *مکتب های ادبی. قطره. چاپ سوم.*
۲۱. شوپنهاور، آرتور. ۱۳۷۵. *هنر و زیبایی شناسی. ترجمه دکتر فواد روحانی. زریاب. چاپ اول.*
۲۲. شیری، قهرمان. ۱۳۸۷. *مکتب های داستان نویسی در ایران. چشمه، چاپ اول.*
۲۳. عمویی، محمدعلی. ۱۳۸۰. *دردنامه. خاطرات محمدعلی عمویی، با ویرایش جدید و افزوده ها. نشر اشاره. چاپ اول.*
۲۴. غلام، محمد. ۱۳۸۱. *رمان تاریخی، سیر و نقد و تحلیل رمان های تاریخی فارسی، ۱۲۸۴-۱۳۳۲. چشمه. چاپ اول.*
۲۵. فاستر، ای. ام. ۱۳۵۲. *جنبه های رمان. ترجمه ابراهیم یونسی. امیر کبیر. چاپ اول.*
۲۶. قدیانی، عباس. ۱۳۷۶. *فرهنگ فشرده تاریخ ایران، جاویدان خرد. چاپ اول.*
۲۷. کیانوری، نورالدین. ۱۳۸۲. *خاطرات نورالدین کیانوری. اطلاعات. چاپ سوم.*
۲۸. گلشیری، هوشنگ. ۱۳۸۸. *باغ در باغ (مجموعه مقالات) جلد ۱. نیلوفر. چاپ سوم.*
۲۹. محمود، احمد. ۱۳۵۷. *همسایه ها. امیر کبیر. چاپ چهارم.*
۳۰. محمود، احمد. ۱۳۸۴. *دیدار با احمد محمود. به کوشش سارک محمود (اعطا)، بابک محمود (اعطا)، سیامک محمود (اعطا). معین. چاپ اول.*

۳۱. مدنی، سید جلال‌الدین. ۱۳۶۹. تاریخ سیاسی معاصر ایران. (جلد ۱ و ۲) دفتر انتشارات اسلامی. چاپ سوم.
۳۲. مقدادی، بهرام. ۱۳۹۳. دانش‌نامه نقد ادبی، از افلاطون تا به امروز. چشمه. چاپ اول.
۳۳. مکالا، سی. بی. ین. ۱۳۸۷. بنیادهای علم تاریخ، چیستی و اعتبارشناخت تاریخی. ترجمه احمد گل محمدی. نی. چاپ اول.
۳۴. ملائی توانی، علیرضا. ۱۳۸۷. درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. نشر نی. چاپ دوم.
۳۵. میرعابدینی. حسن. ۱۳۷۷. صد سال داستان‌نویسی ایران. (۳ جلدی). چشمه. چاپ اول.
۳۶. میرفطروس، علی. ۱۳۸۷. دکتر محمد مصدق، آسیب‌شناسی یک شکست. شرکت کتاب. چاپ دوم.
۳۷. نجاتی، غلامرضا. ۱۳۷۷. مصدق؛ سال‌های مبارزه و مقاومت. (جلد اول و دوم). موسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ اول.
۳۸. نورائی، مرتضی / حسین میرجعفری. ۱۳۸۸. روش پژوهش در تاریخ. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.
۳۹. نورائی، مرتضی. ۱۳۸۷. راهنمای نگارش در تاریخ. جهاد دانشگاهی مشهد. چاپ اول.
۴۰. ولک، رنه. ۱۳۷۴. تاریخ نقد جدید. جلد دوم. ترجمه سعید ارباب شیرانی. نیلوفر. چاپ اول.
۴۱. هروی، جواد. ۱۳۸۹. روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ. امیرکبیر. چاپ دوم.
۴۲. یروفه‌یف، ن. آ. ۱۳۶۰. تاریخ چیست؟! ترجمه محمد تقی راد. نشر جوان. چاپ اول.